سرمقاله

افغانستان و تقابل سیاست های بین المللی

حفیظ الله زکی

روسیه در یک و نیم دهه گذشته خود را از مسایل افغانستان کنار گرفته بود. کمک های این کشور به افغانستان بیشتر در امورات بازسازی و مبارزه با مواد مخدر محدود می شد. روسیه از حضور گسترده ناتو در نزدیکی مرزهایش خوشنود نبود، اما در آن شرایط روسیه نمی توانست جای ناتو را در افغانستان پر کند و از امنیت، ثبات و نظام مشروع سیاسی در این کشور دفاع کند. روسیه یکبار تجربه حضور نظامی در افغانستان را پشت سر گذاشته بود و این حضور برای آن کشور بسیار سنگین و گران تمام شد. مقامات روسیه با درک این مشکلات سعی می کرد تا دید افغان ها را نسبت به سیاست های روسیه در افغانستان تغییر دهد و تصویر جدیدی از آن کشور ارایه دهد.

اما در عین حال روسیه کاملا آگاه بود که نا امنی در افغانستان کشورهای آسیب پذیر آسیای میانه را با خطر جدی مواجه می سازد. به این خاطر روسیه حضور نظامی ناتو را از این جهت برای خود مفید می دانست. مجموع این معذوریت ها و مجبوریت ها روسیه را بر آن داشت تا از روند سیاسی در افغانستان حمایت کند و روابط خود را با حکومت افغانستان تقویت کند. سیاست آرام روسیه در افغانستان تا سال ۲۰۱۴ ادامه یافت، ولی زمانی که بحث خروج نیروهای ناتو از افغانستان جدی شد، این کشور در ارتباط با مسایل افغانستان فعال تر گردید.

روسیه پس از خروج نیروهای ناتو، از چهار چیز نگرانی داشت:

- رشد افراط گرایی و تفکر اسلام گرایی در آسیای میانه.
- توجه ناتو و کشورهای غربی به سوی آسیای مرکزی به بهانه حفظ ثبات و مبارزه با تروریزم.
- تشدید نا امنی در افغانستان که بدون شک به کشورهای آسیای میانه نیز سرایت خواهد کرد.
- افزایش قاچاق مواد مخدر به آسیای مرکزی و از آنجا به روسیه.

باتوجه به دغدغه های فوق مقامات روسیه ترجیح دادند تا سیاست های فعال تر و پیشگیرانه تری را نسبت به مسایل افغانستان روی دست بگیرند. ولی در همین زمان بحران سیاسی در اوکراین که به تقابل ناتو و روسیه انجامید و رقابت شدید این دو قدرت بزرگ در سوریه که مداخله علنی و آشکار روسیه را به آن کشور در پی آورد، بر روند سیاسی در افغانستان نیز تأثیر گذاشت.

روسیه پس از آن بیشتر از حضور ناتو در افغانستان بیمناک است. مقامات آن کشور باور دارند که در آینده غرب و ناتو ممکن است با استفاده از خلأ ها و ضعف های موجود، فشارهای بیشتری را بر روسیه وارد سازد و نقش و تأثیرگذاری آن کشور را در تحولات بین المللی کمرنگ جلوه دهد.

برملا شدن تماس های روسیه با طالبان و برگزاری کنفرانس های منطقوی و دیدار از وزیرستان شمالی، جایی که به مرکز تربیه، آموزش و تجهیز تروریستان بدل شده است؛ نشانه هایی از رویکرد جدید آن کشور در قبال گروه های تروریستی و تنظیم معادلات جدید منطقوی است.

روسیه قرار است در نیمه ماه اپریل کنفرانس منطقوی دیگری را در مسکو برگزار کند. از حکومت افغانستان و گروه طالبان نیز برای اشتراک در این کنفرانس دعوت کرده است. همه اینها بیانگر این است که روسیه می خواهد با جلب همکاری برخی کشورهای منطقه نقش جدیدی را موازی با کشورهای عضو ناتو در افغانستان ایفا کند.

چند مشکل در ادامه این روند می تواند به وجود بیاید:

مشکل اول این است که هرنوع مداخله در امور افغانستان از طرف هر کشوری که باشد در صورتی که از مجرای سیاست های حکومت افغانستان نگذرد، به نفع این کشور نخواهد بود.

دوم، حرکت های موازی در بسا موارد با همدیگر در تقابل و تضاد قرار می گیرد و یکدیگر را سبوتاژ می کنند.

سوم، حرکت های مستقل و ناهماهنگ روسیه ممکن است به حساسیت بیشتر اعضای ناتو منجر گردد. این رقابت ها ممکن است به تقابل بیشتر روسیه با ناتو منجر گردد. لذا بهتر است که سیاست های منطقه ای و بین المللی باتوجه به همه جوانب به صورت هماهنگ، مبارزه روشمند با تروریزم را به پیش ببرند.

فساد و تاثیر آن بالای سرمایه گذاری خارجی

مصطفی احمدی

از سوالات اساسی اقتصاد کلان این است که چرا کشورهای صنعتی نسبت به ابتدای قرن بیستم بسیار ثروتمندتر شده‌اند و چرا بعضی کشورها درآمد شان بیش از ده برابر بسیاری از کشورهای دیگر است؟ چرا بعضی از کشورها همچنان فقیر مانده‌اند، اما بعضی دیگر رشد و افزایش رفاه مستمر را تجربه می‌کنند؟ آیا تفاوت سابقه و قدمت میتواند عامل مهمی برای بوجود آمدن چنین اختلافی باشد؟ آیا وجود منابع و معادن دلیل ایجاد چنین اختلافی است؟ یکی از مهم‌ترین اهداف هر کشوری رسیدن به سطح بالای توسعه است. رسیدن به این مهم موجب حل شدن بسیاری از مشکلات در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره می شود و بر اساس نظریه تعداد بسیار زیادی از اقتصاددانان یکی از راه‌های رسیدن به توسعه، دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب می‌باشد. کشورهای در حال توسعه برای اینکه بتوانند شکاف و فاصله خود را با دنیای غرب کاهش دهند احتیاج به رشد اقتصادی بالا دارند؛ بنابراین رشد اقتصادی بالا با نهایت استفاده از تمام منابع، برای کشورهای درحال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی دارای اولویت بیشتری می‌باشد. ابزارهای مختلفی برای تسریع و افزایش در رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه وجود دارد که یکی از مهمترین این ابزارها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و کمک‌های خارجی می‌باشد که به ویژه می‌تواند نقش بسیار مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای فقیر و کم‌تر توسعه یافته داشته باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در مؤسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت است. از جمله مزایای این روش برای کشور دریافت کننده سرمایه عبارت است از: انتقال دانش فنی، افزایش توانمندی نیروی انسانی، مشارکت در سود و زیان، اشتغال زایی، عدم نیاز به سپردن تعهد مالی، کسب تجربه‌های مدیریتی و غیره.

در مبانی تئوری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان یک عامل مهّم و بنیادی نقشی تعیین کننده‌ای در رشد اقتصادی دارد. تأثیر شگرف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، بیانگر نقش آفرینی این شکل از سرمایه‌گذاری در رونق اقتصادی آنان دارد و در طی سالهای گذشته، سرمایه‌های خارجی هنگفتی وارد افغانستان شده است ولی چرا کشور ما در مسیر توسعه پایدار قرار نگرفته است؟ در این حالت این پرسش مطرح میشود که مهمترین دلیل تاثیرگذاری منفی سرمایه-های خارجی بر رشد و توسعه پایدار کشورمان چیست؟ آیا میتوان از فساد به عنوان مهمترین عامل یاد کرد؟ نقش آن و تاثیر آن بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه بر روی رشد و توسعه اقتصادی کشور چگونه است؟

با توجه به اینکه افغانستان، درآمد بالایی را در حال حاضر ندارد و بیش از نیم بودجه آن را کشورهای خارجی تامین مکینند، راه‌حل اصلی فائق آمدن بر مشکل کمبود سرمایه و خروج از دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی کشور، استفاده از سرمایه‌های انباشته شده در کشورهای توسعه یافته عنوان شده است. یکی از راه‌های تأمین سرمایه از کشورهای توسعه یافته استقراض از بانک‌های بین‌المللی آن‌هاست؛ اما به علت باز پرداخت و انباشت این تعهدات و اجرای اصلاحات درخواستی از سوی مجامع بین‌المللی مطلوبیت چندانی ندارد. گزینه دوم جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که اغلب همراه با انتقال دانش فنی و مزیت‌های فن‌آوری می‌باشد. اولین و مهم‌ترین مزیت جذب FDI، ارزیابی دقیق طرح‌های اقتصادی و گزینش طرح‌هایی که به احتمال بسیار بالا دارای توجیه اقتصادی هستند. از طرف دیگر جذب FDI از بروز مشکلاتی نظیر فقدان توازن در تراز پرداخت‌ها انباشت بدهی‌ها و دشواری در باز پرداخت آن‌ها، افزایش ضریب مخاطره در اقتصاد ملی و ... جلوگیری می‌کند ولی متاسفانه یکی از مهمترین تفاوت کشورهای توسعه یافته‌تر نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته، وجود فساد، در اقتصاد آنهاست که افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست و یکی از کشورهایی است که بالاترین درصد فساد را داراست.

در مجموع فساد یکی از عواملی است که تاثیر بسیار مخربی بر روند توسعه و رشد اقتصادی کشورها دارد، آثار زیانباری که می‌تواند تاثیر خود را بر توزیع درآمد، تخصیص منابع، کارایی اقتصادی، ترکیب مخارج دولت، رشد اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، فاصله طبقاتی و غیره نشان دهد. فساد مالی و سیاسی از جنبه‌های مختلف بر سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین تأثیر فساد را می‌توان در این نتیجه از روند فساد آمیز مشاهده کرد که در میان مدت، سرمایه‌گذاری‌های عمومی کاهش یافته و عمده سرمایه‌های موجود در جامعه، به سوی بخش‌های فاقد بهره‌وری که زمینه اختلاس، پول‌های بادآورده و فرار از پیچ و خم‌های ناشی از اعمال فساد در آن‌ها بیش‌تر به دست می‌آید، سوق داده می‌شوند که متاسفانه با بررسی عملکرد اقتصادی دوران گذشته، به خوبی به این مهم پی میبریم که نه تنها سرمایه گذاری مستقیم خارجی، باعث پیشرفت و توسعه کشور نگردیده است، بلکه با وجود فساد باعث انحراف سرمایه‌های خارجی از مسیر درست اقتصادی آن شده و همین امر باعث افزایش بیشتر فساد در جامعه گردیده است که در نتیجه با اسمترار این حالت، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با وجود سطح بالای فساد هر روز نسبت به گذشته کاهش می‌یابد که این مورد از تاثیرات بلند مدت فساد در کشور می‌باشد.

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین فساد و FDI بسیار پیچیده می‌باشد از جمله مطالعاتی که پیچیدگی رابطه‌ی بین فساد و FDI را بررسی کردند، مربوط به بخش‌های اوکراین، آذربایجان و روسیه می‌باشد. با توجه به بحث‌ها و مطالعات انجام شده در می‌یابیم که کاهش و به ویژه از بین بردن فساد برای رشد اقتصاد و FDI امری ضروری است که نباید نادیده گرفته شود.

در واقع این امر حیاتی است که ارزش‌ها و هنجارهایی که موجب حفظ فساد است تغییر داده شود و سیستمی که اجازه به حفظ فساد می‌دهد دگرگون شود. گرچه عده‌ای معتقدند عملیاتی که بتوان همه این تغییرات را ایجاد کرد سخت و دشوار است، اما با توجه به این نکته مهم و جنبه منفی فساد، که در این نوشتار بیان شد، مبارزه علیه فساد برای تمام جامعه امری ضروری و مفید خواهد بود. البته باید خاطر نشان شویم که پردازش‌های کاهش فساد، زمان زیادی می‌برد و نتایج آن در کوتاه مدت آشکار نمی‌شود.

از جمله پیشنهاداتی که در زمینه ورود سرمایه‌های خارجی میتوان ابراز داشت، نظارت بر ورود سرمایه‌گذاری خارجی و دخالت مستقیم خارجیان در سرمایه‌گذاری (به صورت مشارکت در سود و زیان) می‌باشد که موجب می‌گردد که سیستم‌های جلوگیری از بروز فسادهای مالی و اداری توسط سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور شود و کشور بتواند از اثرات سر ریز شونده مثبت این تکنولوژی‌های جدید برخوردار گردد. همچنین با توجه به پیچیده شدن روابط اقتصادی در جهان مدرن و عدم توانایی نظارت کافی بر سطح فساد در جامعه این نیاز احساس می‌گردد که کشورهای در حال توسعه به تناسب پیچیده شدن روابط از ابزارهای جدید جهت کاهش سطح فساد در جامعه کمک بگیرند، گسترش دولت الکترونیک و توسعه زیرساخت‌های IT محور می‌تواند راهکار مناسبی برای کاهش سطح فساد در این کشورها باشد.

با توجه به تأثیر بالای شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و وجود جمعیت فعال بیکار در کشور، بهبود سطح اشتغال و آموزش نیروی کار، می‌تواند موجبات بهبود وضعیت رشد اقتصادی در این کشورها را مهیا سازد که در نتیجه باید به امر آموزش به خصوص آموزش ابتدایی در کشور و ترویج فرهنگ درست در مقابل فساد و تربیت متخصصین کشور، توجه ویژه ای گردد.

فرهنگ و هویت شهری

یکی از مقولات بسیار مهم و بحث برانگیز می باشد.

زندگی برای خانواده های مهاجر در شهری که نه تنها هیچگونه پارادایم ذهنی و تعلق خاطری نسبت به آن ندارند که با نوعی ابهام، تشتت فرهنگی و دوگانگی نیز روبرو هستند نیازمند باز تعریف مفهوم هویت و عرصه سازی اجتماعی برای استحکام پیوندهای فکری- روحی ساکنین شهر از قومیت های متفاوت است. در واقع مسأله هویت شهری یکی از پیچیده ترین و بحث برانگیزترین مباحث نظری در شهرسازی است؛ چگونگی فرهنگ سازی و تعمیق هویت شهری در روش شهرسازی و عناصر معماری و نحوه ارزیابی شاخص های این مسأله، سئوال بنیادینی است که نیاز به تحقیقات گسترده دارد.

در واکاری مفهوم هویت شهری وعناصر سازندهی آن می توان به موضوعاتی همچون؛ زمان، مکان، قومیت، اعتقادات، آداب و رسوم، زبان مشترک و گویش ها و پوشش های محلی اشاره نمود. هویت از آنجا که ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی آدمی دارد دارای بعد زمانی، است. همچنین در بطن این مفهوم نوعی تعلق به سرزمین وجود دارد که به آن بعد مکانی می دهد و از سوی دیگر هویت با اعتقادات و باورها پیوندی ناگسستنی دارد، چنانکه با نژاد و قومیت و امثالهم دارای رابطه ای انکار ناپذیر است.

حال سئوال این است که انسان مهاجر که ریشه و هویت تعریف شده‌ای از گذشته و اصالت خویش دارد با ورود به شهر جدیدی که در چارچوب تصوری او تعریف و شأن مشخص و معینی ندارد، چگونه رفتار خواهد کرد؟ کنش اجتماعی و رفتار جمعی مهاجرین که منبعث از ذهنیت و نظام باورهای آنهاست تبلور واضحی در ساخت فرهنگ شهروندی دارد و نقش پر رنگی را در تغییرات اجتماعی- سیاسی و تحولات اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا می کند.

از آنجا که یک « هویت قومی خاص» خود را در گستره ای عظیم از هویت های دیگر می بیند و فرهنگ واحد و غالب اجتماعی را در مقابل خویش نمی یابد، برای تداوم و تسهیل حضور اجتماعی خود در پی محلاتی می رود که بیشترین نزدیکی را به لحاظ فرهنگی و قومیتی با او داشته باشند. آنچه یک گروه انسانی را هویت می بخشد شباهت و نقاط مشترکی است که باعث قوام درونی آنها می شود و تفاوت و تشخص آنها را نسبت به سایر گروهها امکان پذیر می سازد، برای نیل به شخصیت یابی این گروهها توجه جدی به عناصر موثر در هویت بخشی اجتماعی ضروری به نظرمی رسد.

نبود محیط زیست بومی، چندگانی فرهنگی و تفاوت هنجارهای رفتار اجتماعی، سبب فقدان بافت فرهنگی همگون در جامعه می گردد که در بحث آسیب های اجتماعی، جامعه را به شدت تحت الشعاع قرارمی دهد، لذا محله گرایی به عنوان شعارمحوری مسئولین فرهنگ شهری می تواند در تغییرشرایط فرهنگی شهر به زیستگاهی مطلوب موثر باشد. بهتر است هر کدام ازاین قومیت ها در یک منطقه سکونت یابند و این همسایگی و نزدیکی باعث هماهنگی، پیوند عاطفی و تعلق خاطر اجتماعی می گردد و به این ترتیب می توانند به احساس امنیت و آرامش دست یابند.

لازم به ذکر است که در این فرآیند یک نقطه آسیب جدی وجود دارد و آن هم افراط و تفریط در توجه و برجسته سازی قومیت ها و خرده فرهنگ هاست. چرا که هویت به تعبیری یک « خود» است که در قالب فردی یا اجتماعی تبلور می یابد و این خود یا شخصیت در نسبت با آنچه که « او هست « (او همانی) با آنچه که «او نیست « (دیگری) تعین می یابد، یعنی نفی آنچه نیستم به عنوان ((وجوه تمایز)) و اثبات آنچه هستم به عنوان ((وجوه تشخص بخش)) . با این وصف حرکت هویت ساز در صورت عدم اعتدال، می تواند به شکلی مبالغه آمیزبه هویتی منفرد، خود محور و تقابلی در یک سر طیف یا هویتی سست و مبهم در سوی دیگر آن منجر شود. یعنی اگر فرد مهاجر که هنوز با محیط زیست جدید خود مأنوس نشده است از تعلقات اصیل خویش به کلی فارغ گردد دچار نوعی سرگردانی و رها شدگی در اجتماع جدید می گردد به طوری که دیگر نه هنجارها و تعلقات قبلی در او موثر است و نه دارای حس وفاداری و همبستگی با شهر جدید خویش است. در واقع شخص دچار نوعی بی هویتی می گردد که آسیب های اجتماعی فراوانی را در پی خواهد داشت.

بنابراین لازم است در عین احترام و حفظ متعادل هویت اصیل گروههای مهاجر، با توجه جدی به عناصر و تعلقات مشترک و فراگیر به ساخت عرصه های جدید اجتماعی همت گماشت تا خرده فرهنگها در یک فضای غالب و عام به همزیستی مسالمت آمیز و اتحاد اجتماعی دست یابند.

واقعیت آن است که بدون وجود شاخص هایی که بتوانند این سبک های زندگی متفاوت را با یکدیگر هماهنگ سازند امکان عملی همزیستی آنها، جز با افزایش فشارها و کنترل های اجتماعی که آنها نیز کیفیت زندگی شهری را کاهش می دهند، وجود ندارد. بنابراین ما به یک فرآیند فرهنگ ساز چه درعرصه نظری و فکری و چه در عرصه سخت افزاری مانند شهرسازی و معماری نیاز داریم که بتواند سیاست گذاریهای شهری را با رشد فکری و رفتاری شهروندان سازگار کرده و به عبارت دیگر بتواند نوعی جامعه پذیری و فرهنگ شهروندی را محقق سازد.

روشن است که وقتی شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق و پیوستگی نمایند، فضای لازم برای تحقق اجتماع اخلاقی فراهم می شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می یابد. هویت شهری و احساس تعلق به شهر به افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و کاهش آسیب های اجتماعی منتج می شود که این موضوع در بهینه سازی و تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش تنش های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان نقش بسیار موثری دارد.

منبع: مرکز اطلاعات علمی و تخصصی مدیریت شهری

با آغاز دوره سرمایه داری و تمدن جدید به اقتضای سبک زندگی مدرن، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به سوی مناطق مستعد و اقتصادی، روند رو به تزایدی یافت به نحوی که به سرعت ترکیب جمعیتی در نسبت شهر به روستا معکوس گشت. این وضعیت با توجه به محدودیت امکانات اجتماعی و سطح توقعات مهاجرین که درپی تحصیل آرزوهای بزرگ ترک وطن نموده و تن به تجربه سرزمین جدیدی داده اند، نگرانی هایی را دامن زده است که در این میان موضوع هویت شهری و گسست فرهنگی،

کارتون روز

نگاه هفته # مجلس نمایندگان

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑بنیان‌گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر: حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑کاریکاتوریست: خالق علی‌زاده
❑دیزاین: علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب‌سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان‌ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com